

خبر خط

- موسی‌الرضا ولی‌نژاد از خوانندگان و نوازندگان دوتار شمال خراسان بر اثر ایست قلبی دارفانی را وداع گفت. این خواننده و نوازنده دوتار طی سال‌های اخیر فعالیت‌های متعددی در عرصه موسیقی داشت که از آن جمله می‌توان به حضور در چندین جشنواره موسیقی کشور و سرپرستی گروه موسیقی «جولان» اشاره کرد.
- در شرایطی سازمان سینمایی تنها ۱۰ میلیون تومان وام به سینماهای خسارت‌دیده از کرونا اختصاص داده است که دیروز رئیس انجمن سینماداران از خسارت ۱۷ میلیاردی سینماها تاکنون خبر داد که انتقادات و کنایه‌هایی را موجب شد. حسین انتظامی در توییتی خطاب به سینماداران عنوان کرد که استفاده از این تسهیلات منوط به اخراج نشدن کارکنان است.
- دبیر جشنواره ملی فیلم کوتاه داستانی و مستند «طلوع پارس» اعلام کرد که سومین دوره این جشنواره به صورت مجازی و در بستر سایت جشنواره برگزار می‌شود. حمیدرضا عوض‌دخت با اشاره به اینکه سال گذشته به دلیل وقوع سیل در شیراز این جشنواره برگزار نشد، گفت که امسال نیز با توجه به شیوع ویروس کرونا و شرایط موجود در جامعه برای حفظ روحیه هنرمندان تصمیم گرفته شد با برنامه‌ریزی تمام فرآیندهای اجرایی به صورت دیجیتال در فضای مجازی انجام شود.
- کتاب سرداران سردار مرتضی کرامتی و با عنوان حاج قاسم سلیمانی و مدافعان حرم به زبان استانبولی ترجمه و منتشر کرد.
- وایتی خبر می‌دهد که شماری از عکس‌های دوریس دی، بازیگر فقید هالیوود در تولد ۹۸ سالگی او زیر چکش حراج می‌رود. این حراجی که برای یادبود او برگزار می‌شود، به صورت آنلاین صورت می‌گیرد. قرار است عواید این حراجی به بنیاد حمایت از حیوانات دوریس دی که عمری پنجاه ساله دارد، تعلق گیرد.

- قسمت جدید سریال «هم‌گناه» منتشر شد. هم‌گناه نخستین تجربه مصطفی کیایی در شبکه نمایش خانگی است که با سرمایه‌گذاری فیلمیو تولید شده است. در این سریال پرویز پرستویی، هدیه تهرانی، محسن کیایی، هنگامه قاضیانی، حبیب رضایی، رویا تیموریان و مسعود رایگان ایفای نقش دارند.



- وایتی اعلام کرد که بعد از استودیوی پارامونت، استودیوی دیزنی نیز در بیانیه‌های خبر از تغییراتی در تقویم اکران فیلم‌های تابستانی خود داده و گفته که به دلیل جلوگیری از گسترش ویروس کرونا اکران فیلم‌های بیوه سیاه، ابدی‌ها، ایندیانا جونز ۵ و چند فیلم دیگر را به زمانی دیگر موکول می‌کند.
- مستند سینمایی «عابدان کهنه» به کارگردانی مجید رستگار قرار است در نیمه اردیبهشت با حضور در جشنواره مستند «اینترداک» در ۵ شهر روسیه و جهان اکران شود. این جشنواره از سی‌ام آوریل تا دوم می برابر با یازدهم تا سیزدهم اردیبهشت در مسکو برگزار می‌شود و به گفته مسئولان آن، فیلم‌های منتخب این جشنواره علاوه بر مسکو در ۵۰ شهر در روسیه و جهان اکران خواهد شد. این مستند پیش از این در نهمین دوره جشنواره مردمی فیلم «عمار» در بخش مدافعان حرم برگزیده شده بود.

دیالوگ

کوروش نریمانی: «تعطیلی پیش‌آمده و قرنطینه خانگی فرصت مناسبی برای رسیدگی به ایده‌های قبلی و سروسامان دادن به آنها و همچنین پرداختن به ایده‌های ذهنی جدید است. با این وضع عیشم برای کار بسیار زیاد شده است، زیرا شرایط شیوع ویروس کرونا نشان داد که باید از فرصت‌های خودمان به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم. این اتفاق تلنگری برای همه ما بود. امیدوارم بعد از حل شدن مشکل شیوع ویروس کرونا، به‌جای تئاتر با انرژی مضاعفی کار خود را از سر بگیرند.»



محمد معتمدی: «روزانه ۱۵ هزار کودک در جهان بر اثر فقر و گرسنگی می‌میرند. براساس آمار رسمی یونیسف فقط در سال ۲۰۱۶، ۵ میلیون و ۶۰۰ هزار کودک بر اثر گرسنگی و سوءتغذیه مرده‌اند. سال‌هاست که در هر روز ۲۵ هزار نفر از بزرگ و کوچک در جهان بر اثر فقر و گرسنگی و سوءتغذیه می‌میرند، درحالی‌که مجموع تلفات کرونا تا امروز در جهان جمعا ۴۴ هزار نفر بوده است.»



علیرضا رئیس‌پسبان: «به‌عنوان فردی که بیش از ۳۰ سال فعالیت سینمایی داشتم، در صنف بودم و کاملا سینمای کشور را دنبال می‌کنم، اعلام می‌کنم که زنگ خطر و چراغ قرمز سینما سال‌ها پیش نواخته شده است و دولت‌ها هیچ راهبردی مثبتی برای هیچ‌کدام از شاخه‌های فرهنگ نداشته و ندارند.»



درگذشت نوازنده قیصر و گاو و گوزن‌ها

شهرزاد همایون خسروی، نوازنده نامدار ویولنسل، روز گذشته در لس‌آنجلس درگذشت.

زنده یاد همایون خسروی که از مشهورترین نوازندگان ویولنسل ایران بود، از هنرمندان پرکاری بود که در حیطه‌های متنوعی فعالیت داشت و موسیقی‌دوستان ایران صدای ساز او را در طیف وسیعی از آثار از موسیقی پاپ تا کلاسیک ایرانی و حتی موسیقی فیلم به یاد دارند. نوازندگی برای فیلم‌های قیصر، گوزن‌ها و گاو و در آلبوم معروف شب، سکوت، کوربا ماندگارترین آثار اوست. همایون خسروی که دوره‌های تخصصی نوازندگی ویولنسل را با بورس وزارت فرهنگ و هنر قبل از انقلاب در کشورهای آلمان و اتریش گذرانده بود، سابقه همکاری با هنرستان موسیقی تهران و هنرستان بانچه‌بان رانیز به‌عنوان مدرس ویولنسل در کارنامه‌اش داشت.



لیلی گلستان و پریس تنظیفی از زندگی کیومرث درمبخش می‌گویند

انزوا و دوری مرد رنج‌ها

نیره خادمی کیومرث درمبخش در یکی از مهم‌آلودترین دوران تاریخ بر اثر بیماری کرونا در پاریس از دنیا رفت در حالی که در سال‌های اخیر به بیماری فراموشی هم مبتلا شده بود. هنرمندی که همیشه به مفهوم رنج می‌اندیشید و سعی کرد با دو فیلم کسوف و شب آن را به تصویر بکشد. حرف‌های ناگفته بسیاری درباره او وجود دارد. اینکه در سینمای ایران مهجور ماند و هیچ‌وقت نتوانست به جایگاهی که حق آن را داشت، دست پیدا کند، به‌ویژه اینکه قبل از انقلاب بوف کور را پشت لوز نبرینش برده بود. لیلی گلستان، دوست و همکار دیرینه‌اش، حالا معتقد است که او به دلیل انزوا نتوانست در سینمای مستند ایران به جایگاهی که مستحق آن بود، دست پیدا کند.

سوء برداشت نسبت به اهمیت گونه‌های مختلف هنری روبه‌رو هستیم؛ بعضی از هنرها را فروتر و برخی را فراتر می‌دانیم؛ مثلا اگر کسی در حوزه سینمای آوانگارد یا سینمای داستانی کار کند او را بسیار برتر از کسی می‌دانیم که در حوزه کودک و نوجوان یا حوزه مستند کار می‌کند و این ماجرا در حوزه ادبیات داستانی هم همین‌طور است. این خط‌کشی‌ها باعث شده است که هنرمندان تأثیرگذار از ایران بروند و درباره کیومرث درمبخش هم این اتفاق رقم خورد؛ چون در گونه‌ای از هنر فعالیت می‌کرد که چندان اهمیتی به آن داده نمی‌شد.»

تأثیر درمبخش با بوف کور بر سینمای هنری دهه ۶۰

زنجیره تأثیرات کیومرث درمبخش بر سینمای ایران با وجود مهاجرت و دوربودن از فضای هنری ایران از سال‌های پیش از انقلاب آغاز شده بود؛ یعنی زمانی که او مهم‌ترین اثر داستانی ایرانی را برای روایت از پشت لوز نبرینش انتخاب کرد. اگر چه او در زمینه‌های مختلفی فعالیت داشت اما حالا بسیاری او را با فیلم «بوف کور» زندگی و مرگ صادق هدایت می‌شناسند. بوف کور صادق هدایت آن قدر خاص بود که کمتر کسی جرأت می‌کرد سراغ آن برود اما درمبخش کار را دست گرفت. این فیلم معماگونه سرانجام در سال ۵۴ با رگه‌هایی از ترس و وهم ساخته شد و نام کارگردان خوشفکر سی ساله‌اش را سرزبان‌ها انداخت. پریس تنظیفی درباره تأثیرات ساخت چنین فیلمی بر سینمای ایران می‌گوید: «درمبخش در حوزه فیلمسازی کارهای ماندگاری انجام داد. فیلم بوف کور با بازی درخشان پرویز فنی‌زاده از ماندگارترین کارهای او در ایران است و می‌توان آن را بارها تماشا و از جنبه‌های مختلف بازخوانی کرد. نخستین تأثیر ساخت چنین فیلمی به وجود آوردن این قدرت در میان نسل جوان فیلمساز ایرانی بود؛ اینکه ما هم می‌توانیم از ادبیات داستانی اثر اقتباسی یا ارزش بالای هنری و سینمایی بسازیم. این فیلم در شرایطی ساخته شد که تمرکز بیشتر استودیوها بر ساختن فیلم‌های تجاری بود، همان‌روالی که همچنان در سینمای ایران رواج دارد. بنابراین افرادی چون درمبخش در آن دوره با وجود تمام محدودیت‌ها توانستند راه جدیدی در سینمای ایران باز کنند که تأثیرات آن را در سینمای هنری دهه ۶۰ ایران دیدیم.»

درمبخش تحصیلات خود را همزمان در سال‌های پیش از انقلاب در دو رشته عکاسی و سینما به پایان رسانده بود و در هر دو حوزه هم دستی بر آتش داشت. او برای فیلم‌های تنگسیر و گوزن‌ها عکاسی کرد و در مستندسازی هم بیشتر به سمت سوزده‌هایی از حیات طبیعی و محیط زیست رفت؛ اما روحیه ساکت و آرام و شاید مهاجرتش همیشه او را از هیاهو دیده‌شدن دور نگه داشت. درمبخش پس از انقلاب دو فیلم کسوف و شب را ساخت که خود درباره آن گفته بود: «در این دو فیلم رنج انسانی را مدنظر داشتم و مفهوم رنج موضوعی است که همیشه به آن فکر می‌کنم.» او که در کارنامه‌اش آثار زیادی از جمله «جرس»، «سفر بهاری»، «هشدار» و مجموعه ۱۳ مستند درباره معرفی میراث فرهنگی ایران را دارد حالا برای همیشه آرام گرفته است. سیزدهم فروردین کامبیز درمبخش خبر درگذشت او را در اینستاگرام اعلام کرد و نوشت که برادرش صبح روز دوازدهم فروردین بر اثر عوارض بیماری کرونا در پاریس از دنیا رفته است.



سابقه آشنایی مترجم و مدیر گالی گلستان با کیومرث درمبخش به دهه ۴۰ برمی‌گردد. لیلی گلستان درباره کیومرث درمبخش به «شهرزاد» می‌گوید: «کیومرث شخصیت حساس و زودرنجی داشت، مبارزه با آدم‌ها و محیط‌های مختلف را بر نمی‌تابید بنابراین نتوانست خود را در محیط پرتنش سینمای ایران وارد کند. البته با وجود این شخصیت منزوی و آرام، همیشه کار خود را انجام می‌داد؛ مثلا فیلمی که درباره صادق هدایت ساخت کار قابل تحسینی بود. آدم با استعداد و عکاس خوبی بود. من فیلم‌های مستندش را خیلی دوست داشتم. کارش را انجام می‌داد اما چون اهل روابط عمومی و نشان دادن کار خود نبود، نتوانست جایگاهی را که مستحق آن بود پیدا کند. هنرمند وقتی وارد محیط‌های هنری می‌شود، باید سبوری جلوی خود بگیرد تا بتواند دوام بیاورد. او باید بتواند خود پرنامه هنری خود را به دیگران معرفی کند. اما درمبخش اهل این کارها نبود و در عین حال توانایی خلق درانزوا را داشت، در صورتی که در انزوا ماندن برای هنرمند خوب نیست. به دلیل همین انزوا بود که تأثیر چندان در هنر عکاسی یا سینمای مستند ایرانی نداشت.»

او بودن و ماندن هنرمند در انزوا را مضر دانسته و می‌گوید: «هنرمند اگر کار خود را قبول داشته باشد باید پای آن بایستد، بتواند از کار خود دفاع و جایگاهی برای خود پیدا کند. نمی‌شود که بگوییم آرتیست هستیم و شما هم اگر دوست دارید کارمان را ببینید و من را کشف کنید.» دوست دیرینه کیومرث درمبخش درباره سرخوردگی‌هایی که نتیجه آن دور شدن او از دنیای هنر بود هم می‌گوید: «ما در صداوسیما دوست و همکار بودیم و دوستی ما پس از بیرون آمدن از آنجا هم تا سالیان سال ادامه یافت. نمی‌دانم دقیقا چه کسانی ادیتش کردند و سدا رهش شدند فقط این را می‌دانم که چنین افرادی همیشه حضور دارند. ما باید با آنها بجنگیم و نباید خود را کنار بکشیم. در حالی که او نمی‌توانست و خود را کنار می‌کشید. سال‌های آخر خیلی از او خیر نداشتیم، او در فرانسه بود و من بیشتر از طریق کامبیز (برادر کیومرث درمبخش) جویای احوالش بودم. زندگی خوبی نداشت و این‌ها درگیر بیماری و فراموشی شده بود. هنرمند اگر در اجتماع باشد، کمتر دچار فراموشی خواهد شد؛ اما وقتی در گوشه باشد هم خودش فراموش می‌شود و فراموش می‌کند.»

مهاجرت درمبخش و خط‌کشی‌های اشتباه

شاید داشتن روحیه آرام تنها یکی از دلایل مهاجرت‌ماندن این چهره هنری ایرانی نباشد و قطعاً دلایل دیگری را هم می‌توان برای آن برشمرد. پریس تنظیفی، منتقد هنری و روزنامه‌نگار حوزه هنرهای تجسمی درباره دلایل این ناشناختگی به «شهرزاد» می‌گوید: «چه پیش از انقلاب و چه پس از آن ما دچار معضلی با عنوان بریدگی فرهنگی هستیم. ما همیشه هنرمندان خوبی چون بهمن محصص را داشته‌ایم که مهاجرت کردند و چون در خارج از ایران زندگی کردند، در موج اصلی شهرت و دیده‌شدن و تأثیرگذاری نبودند. کیومرث درمبخش هم چون از ایران رفت چنین اتفاقی برایش پیش آمد، چون ما پیوند فرهنگی بین داخل کشور و این افراد نداریم، بنابراین تأثیر آنها هر چند هم که مهم باشد در جریان اصلی هنر کم می‌شود.» او در این راه از چند دلیل دیگر هم نام می‌برد: «ما همیشه در داخل کشور با مساله